



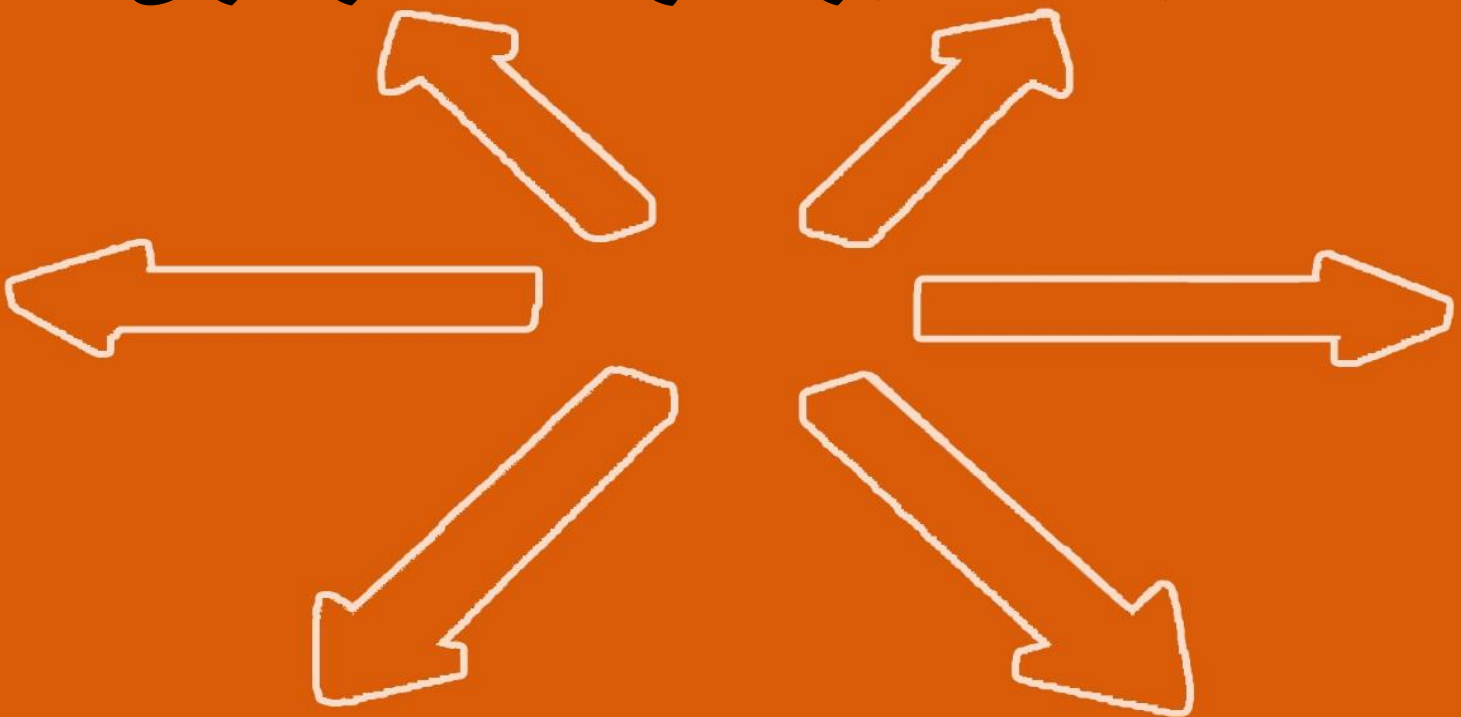
مرکز مطالعات و پژوهش‌های آموزش و وزارت کشور

امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران و

تأثیر و تأثر احزاب سلفی - تکفیری

کردستان عراق و کردستان ایران

(با تأکید بر تحولات اخیر عراق)





آنچه مهم است، تولید علم است. توجه کنید که تولید علم - یعنی شکستن مرزهای علم و
پیشرفت کردن - با تحصیل علم و تجمرد علم تفاوت دارد؛ ما اولی را نیاز داریم.

مقام معظم رهبری؛ (۱۳۸۳/۰۹/۲۶)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وصلی الله علی محمد وآله الطاهیین



موضوع گزارش:

امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر و تأثر احزاب

سلفی- تکفیری کردستان عراق و کردستان ایران

(با تأکید بر تحولات اخیر عراق)

شناسه

۲	۵	۱	۲	۶	۲-۱۸	۲	۱۷	۲۲
---	---	---	---	---	------	---	----	----



شناسنامه

مرکز مطالعات راهبردی و آموزش
تهران: میدان فاطمی، میدان گلها، خیابان کاج،
کوچه یکم، پلاک ۲۰، طبقه ۶
دفتر مدیریت و ترویج مطالعات راهبردی
شماره تلفن: ۸۸۹۷۳۳۹۳
شماره نمابر: ۸۸۹۵۳۲۲۹
پست الکترونیک:
MMK1371@gmail.com



عنوان: امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر و تأثر احزاب سلفی - تکفیری کردستان عراق
و کردستان ایران (با تأکید بر تحولات اخیر عراق)
موضوع: امنیتی

تدوین: سیدسعید جلالی - محمدنبی ابراهیمی

قالب: راهبرد

واحد درخواست کننده: مرکز مطالعات راهبردی و آموزش

تاریخ انتشار: شهریور ماه ۱۳۹۳

شناسه:

۲۲	۱۷	۲	۲-۱۸	۶	۲	۱	۵	۲
----	----	---	------	---	---	---	---	---

صفحه آرای: محمدمهدی خدادادی

تهیه و تنظیم: دفتر مدیریت و ترویج مطالعات راهبردی

تذکر

ات

۱. مطالب مندرج در این اثر صرفاً جهت آن مقام محترم، ارسال شده است. لذا در دسترسی کارشناسان
حسب صلاح دید و ضرورت اقدام گردد.

۲. مطالب مندرج در این اثر جنبه اطلاع رسانی کارشناسی دارد و به شکل محدود تهیه و توزیع شده
است.



دفتر مدیریت و ترویج مطالعات راهبردی

۳. مطالب مندرج در این اثر ضرورتاً بیان گر دیدگاه مرکز و یا وزارت کشور نمی باشد.

فهرست

.....	سخن مرکز	۳
.....	خلاصه کاربردی	۴
.....	معرفی	۴
.....	مقدمه	۵
.....	۱. تبار شناسی احزاب و سازمان های اسلام گرا در کردستان عراق	۵
.....	۱-۱. تأسیس اخوان المسلمین در عراق	۵
.....	۲-۱. اخوان المسلمین در کردستان عراق	۶
.....	۳-۱. تأسیس "بزوتنه وه ئیسلامی کوردستانی عیراق"	۷
.....	۱-۳-۲. تأسیس سازمان "انصارالاسلام" از اتحاد گروه های سلفی_ تکفیری منشعب از "بزوتنه وه"	۹
.....	۱-۳-۳. حمله آمریکا به عراق و بمباران پایگاه های "انصارالاسلام"	۱۰
.....	۱-۳-۴. تأسیس گروه "دولت اسلامی عراق وشام" _ داعش	۱۰
.....	۱-۳-۵. داعش یک گروه یا یک تابلو؟!	۱۳
.....	۱-۳-۶. وضعیت کنونی احزاب اسلامی در کردستان عراق	۱۴
.....	۲. تبار شناسی احزاب و سازمان های اسلام گرای کردستان ایران	۱۵
.....	۱-۲. احزاب اسلام گرای کردی در کردستان ایران	۱۵
.....	۱-۲-۱. احمد مفتی زاده و تأسیس مکتب قرآن	۱۶
.....	۲-۲. جریان اخوان المسلمین در قالب گروه "جماعت دعوت و اصلاح ایران"	۱۷
.....	۲-۳. جریان "جماعت تبلیغی"	۱۸
.....	۲-۴. جریان سلفی_ تکفیری در کردستان ایران	۱۸
.....	۳. روند تأثیر و تأثر منطقه ای میان احزاب کرد اسلام گرای ایرانی و عراقی	۲۰
.....	۳-۱. "جماعت دعوت و اصلاح ایران" و "یه کگرتوو ئیسلامی کوردستان"	۲۰
.....	۳-۲. مکتب قرآن	۲۱
.....	۳-۳. گروه های سلفی_ تکفیری	۲۱
.....	۴. پیشنهادات	۲۳
.....	۴-۱. پیشنهادات در حوزه امنیتی	۲۳
.....	۴-۲. پیشنهادات در حوزه سیاسی	۲۳



بسم الله الرحمن الرحيم «... فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»

قرآن کریم. سوره مبارکه الزمر. آیات شریفه (۱۷ و ۱۸)

با توجه به تخصصی و پیچیده شدن موضوعات در جوامع انسانی، اهمیت اصل گفت و گوهای علمی یا همان «تضارب آراء» - که به تعبیر حضرت علی (علیه السلام)، بهترین روش برای مدیریت سیاسی جوامع است - بیش از پیش آشکار می شود. بر این اساس لازم می آید تا نهادهای اجرایی، سازوکارهای ضروری و کارآمد جهت بهره مندی از نظرات کارشناسی را طراحی و فعال سازند.

«مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور» در راستای انجام بخشی از وظایف خود مبنی بر کمک فکری به مدیریت سیاست داخلی کشور و تقویت فرآیندهای تصمیم سازی و تصمیم گیری، با اتکاء به عنایات الهی، همراهی فرهیختگان در جامعه علمی و مساعدت مدیران اجرایی، اقدام به تعریف، طراحی و اجرای برنامه های پژوهشی و آموزشی متعددی (از قبیل انجام پروژه های علمی، برگزاری نشست های تخصصی، اجرای کارگاه ها و دوره های تخصصی و...) می نماید که هر یک مخاطبان خاص خود را دارد.

«انتشارات مرکز» با هدف اطلاع رسانی تخصصی به مدیران و کارشناسان تهیه شده و حاوی اطلاعات اولیه درخصوص این فعالیت ها و نتایج برآمده از آنها است. مرکز ضمن تقدیر از تمامی معاونت ها، مراکز، دفاتر ستادی و بویژه گروه های مطالعاتی که مرکز را در انجام این مهم یاری داده اند، آمادگی خود را برای دریافت و بهره برداری از نظرات اصلاحی و تکمیلی همکاران، پژوهشگران و مدیران اعلام می دارد. امید آن که از این طریق، زمینه تقویت و افزایش ضریب کارآمدی برنامه های طراحی شده برای مدیریت سیاست داخلی کشور، حاصل آید (ان شاء الله).

ولله الحمد

اصغر افتخاری

رئیس مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور

خلاصه کاربردی

بعد از وقوع انقلاب های عربی در منطقه خاورمیانه ، ما شاهد گسترش بیش از پیش احزاب و سازمان های بنیادگرای سلفی_تکفیری و اوج گیری تحرکات مسلحانه این گروه ها بالاخص در لیبی،سوریه و عراق هستیم. با توجه به حملات اخیر داعش در عراق و تصرف بیش از سی درصد از خاک این کشور و پیشروی آنها در مناطق تحت کنترل اقلیم کردستان عراق تا ۴۰ کیلومتری اربیل، ما شاهد نضج گیری دوباره فعالیت های گروه های سلفی_تکفیری در کردستان عراق هستیم. گزارش راهبردی حاضر با تبارشناسی گروه های بنیاد گرای سلفی_تکفیری در کردستان عراق و کردستان ایران، نشان می دهد که گروه دولت اسلامی عراق و شام که به "داعش" مشهور است به صورت تاریخی یکی از انشعابات مهم گروه های بنیاد گرای سلفی_تکفیری کردی است و در طی دو دهه اخیر نیز با توجه به فعالیت های تبلیغی گروه های سلفی_تکفیری در کردستان ایران و همچنین وضعیت خاص اهل سنت در منطقه می تواند به صورت گسترده به یارگیری های گسترده و انجام فعالیت های تروریستی در مناطق کردنشین اهل سنت ایران بپردازد که اکنون نیز این روند آغاز شده است.

از آن جا که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم و پرنفوذ منطقه دارای جمعیت کثیری از مسلمانان اهل سنت است اعلام خلافت از سوی داعش و گسترش فعالیت های گروه های سلفی _تکفیری در کردستان عراق، با توجه به پیوستگی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران و همگونی قومی_مذهبی با این منطقه، تهدیدی بالفعل برای امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. در آخر نیز مجموعه ای از پیشنهادات راهبردی برای مدیریت هر چه بیشتر مسائل سیاسی_امنیتی در مناطق کردنشین اهل سنت ایران به همراه یک مدل تحلیلی بررسی مسائل سیاسی_امنیتی کردستان ارائه شده است.

واژگان کلیدی: امنیت داخلی ، احزاب سلفی- تکفیری، کردستان عراق ، کردستان ایران

معرفی

سید سعید جلالی ، دکترای رشته تاریخ و سرپرست معاونت پژوهشی مرکز مطالعات راهبردی و آموزش

محمد نبی ابراهیمی

mohammadnabiebrahimi@gmail.com



مقدمه

با توجه به دنیایی که انفجار اطلاعات یکی از مؤلفه‌های اساسی آن است طبعاً هر مسأله‌ای که در هر گوشه از دنیا اتفاق می‌افتد بازخوردهای عظیمی به سمت امنیت داخلی کشورها دارد. مسئله مهمتر این است که ما امنیت داخلی را چگونه تعریف می‌کنیم؟ چگونه می‌بینیم؟ مؤلفه‌هایش چیست؟ طبعاً امنیت داخلی هر نظامی با توجه به آن مؤلفه‌هایی که قدرت ساختاری هر نظام را تشکیل می‌دهد و مهمترین آن ایده دولت است، هر یک از عوامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که بتواند آن مؤلفه‌ها را تهدید بکند و زیر سؤال ببرد مسأله امنیت داخلی را با ضعف نسبی روبرو کرده است.

۱. تبار شناسی احزاب و سازمان‌های اسلام‌گرا در کردستان عراق

بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی که مدعی خلافت تمامی مسلمانان خاورمیانه بود ما شاهد تاسیس دولت‌های جعلی جدیدی هستیم که عموماً با قیومیت کشورهای استعماری چون بریتانیا (عراق، فلسطین، اردن) و فرانسه (سوریه و لبنان) تشکیل شدند. از آنجا که مسلمانان خود را صاحب میراث درخشانی می‌دانستند، به هیچ وجه حاکمیت کشورهای استعماری و دولت‌های دست‌نشانده آنها را نمی‌پذیرفتند و جریانات مختلف اسلامی، ملی و مارکسیستی در این کشورها به مخالفت با استعمار و دولت‌های دست‌نشانده آنها پرداختند. یکی از جریانات اسلامی فعال در این عرصه که به نوعی مادر تمامی جریان‌های اسلام‌گرا محسوب می‌شود اخوان المسلمین است. این حزب در سال ۱۳۰۸ شمسی توسط حسن البنا در مصر تأسیس شد و شاخه‌های آن در تمامی کشورهای اسلامی تأسیس شدند.

۱-۱. تأسیس اخوان المسلمین در عراق

در کشور عراق نیز که حوزه تحقیق و بررسی این گزارش است، شیخ محمود صواف و شیخ امجد زهاوی، در سال ۱۳۳۳ شهر حلبچه واقع در غرب کردستان عراق شاخه عراقی اخوان المسلمین را تأسیس کردند. اخوان المسلمین عراق در این شهر اولین کنگره خویش را برگزار کرد که در آن شیخ محمود صواف، شیخ امجد زهاوی، ملا عبدالعزیز پرس و چهار پسر آن یعنی ملا عثمان، ملا علی، ملا عمر، ملا صدیق، و ملا صالح گوره (بزرگ) شرکت کرده و بیعت خویش را با سران اخوان المسلمین جهانی اعلام کردند.

می‌بینیم که در همان ابتدای تأسیس اخوان المسلمین در عراق به عنوان مهمترین گروه اسلام‌گرا در منطقه خاورمیانه، کردهای عراقی در تأسیس آن مهم‌ترین نقش را دارند و شهر حلبچه در مجاورت مرزهای جمهوری اسلامی ایران پایگاه اصلی تأسیس این گروه است. بعد از تأسیس گروه اخوان المسلمین در عراق در سال ۱۳۳۳ و دستگیری‌های متعدد در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی این گروه تا سال ۱۳۵۰ فعالیت‌های رسمی خویش را به حال تعلیق درآورد اما در طول این سالها اعضای این گروه به فعالیت زیرزمینی خویش ادامه می‌دادند.

۱-۲. اخوان المسلمین در کردستان عراق

فعالیت زیرزمینی اخوان المسلمین در عراق تا سال ۱۹۷۹ ادامه یافته و با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اعضای کرد اخوان المسلمین به رهبری "ملا صدیق عبدالعزیز" فعالیت خویش را شروع کردند.

در میان هواداران اخوان المسلمین در کردستان عراق همیشه دو خط اصلی وجود داشته است. خط ۱ به رهبری "صلاح الدین محمد بهاء الدین" و خط ۲ به "رهبری ملا صدیق عبدالعزیز".

بعد از تأسیس "بزوتنه وه ئیسلامی کوردستانی عیراق" در ایران (که در این تحقیق به تفصیل در باره آن خواهیم گفت) شاخه "صلاح الدین محمد بهاء الدین" از اعضای شورای مرکزی اخوان المسلمین با توجه به دستور اخوان جهانی مبنی بر عدم شرکت در تأسیس "بزوتنه وه" در ایران با "بزوتنه وه" همکاری نکرد اما شاخه "ملا صدیق عبدالعزیز" ابتدا در تأسیس "بزوتنه وه" شرکت کردند ولی آنها نیز بعد از نهی سران اخوان جهانی از همکاری با "بزوتنه وه" سر باز زده و به عنوان اخوان المسلمین عراق به فعالیت خویش ادامه دادند.

میان این دو شاخه اخوان المسلمین در کردستان عراق، یعنی گروه "صلاح الدین محمد بهاء الدین" و گروه "ملا صدیق عبدالعزیز" همیشه رقابت و درگیری وجود داشته است و حتی پادرمیانی رهبران اخوان جهانی نیز مؤثر نبوده است. سرانجام نعمان عبدالرزاق السامرای از رهبران اخوان عراقی با پادرمیانی میان اعضای این دو گروه توانست آنها را به اتحاد در قالب برگزاری انتخابات فرا خواند. در این انتخابات بیشتر اعضای شورای مرکزی از اعضای شاخه "صلاح الدین محمد بهاء الدین" برای شورای مرکزی انتخاب شدند. شاخه "ملا صدیق عبدالعزیز" نتایج این انتخابات را رد نکرد ولی به شدت مورد انتقاد قرار داد که این انتخابات به صورت مخفی در اردوگاه های ایران انجام شده است.

نتایج پروسه اتحاد میان این دو شاخه در قالب انتخابات در تاریخ ۱۳۶۷/۸/۱۸ در ایران انجام شد و بعدها در سال ۱۳۷۰ هر دو شاخه به کردستان عراق مراجعت کردند. بعد از مراجعت به کردستان عراق شاخه "ملا صدیق عبدالعزیز" مستقلاً به فعالیت های خود ادامه داد و آنها رهبری "صلاح الدین محمد بهاء الدین" را نپذیرفتند و "ملا صدیق عبدالعزیز" را شایسته این منصب دانستند. زیرا آنها می گفتند که شاخه ی صلاح الدین در انتخابات سال ۱۳۶۷ در ایران تقلب کرده اند. شاخه صلاح الدین در جواب پاسخ می دادند که به علت این که آنها راضی نشده اند که در قالب "بزوتنه وه" به فعالیت بپردازند، ایران با این گروه دشمنی و مخالفت کرده است و "صلاح الدین محمد بهاء الدین" را نیز این انتخابات را انتخابات نمایندگان اردوگاه ها اعلام کرده است نه انتخابات رهبری اخوان المسلمین عراق و چون شاخه ملا صدیق عبدالعزیز کمتر در ایران شناخته شده بود به این خاطر ای نیاوردند (یعنی تقلبی در نبوده).

این دو دستگی در میان اخوان المسلمین در کردستان عراق تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت، اما اخوان المسلمین جهانی از شاخه "صلاح الدین محمد بهاء الدین" پشتیبانی کرده و اکنون این شاخه نماینده رسمی اخوان المسلمین در کردستان عراق با عنوان "یه کگرتوو ئیسلامی کوردستان" به رهبری "محمد فرج" است. حزب "یه کگرتوو" در آخرین انتخابات پارلمانی اقلیم کردستان عراق با بدست آوردن ۱۸۶۴۱۹ رأی، ۸.۷٪ از مجموع کل آرا را بدست آورد. این حزب در انتخابات اخیر پارلمان عراق ۱۸۶۷۴۱ رأی شامل ۴ کرسی و ۱/۲٪ آراء را بدست آورد.



"ملا صدیق عبدالعزیز" نیز در تاریخ ۱۹۹۲/۱۱/۲۲ رسماً از اخوان المسلمین جدا شده و "بزوتنه وه راهپه رینی ئیسلامی" را تأسیس کرد که اکنون سازمانی محدود است.

۱-۳. تأسیس "بزوتنه وه ئیسلامی کوردستانی عراق"

"شیخ محمد برزنجی" در تاریخ ۱۹۷۸/۱۱/۲، سازمانی زیرزمینی تأسیس کرد که بعد ها به نام "بزوتنه وه پیوند اسلامی" مشهور شد. این گروه شاخه نظامی خود را با عنوان "لشگر قرآن" تأسیس کرده و در سال ۱۳۶۶ با پیروان ملا عثمان عبدالعزیز در داخل اخوان المسلمین متحد شدند و سازمان جدیدی به نام "بزوتنه ئیسلامی کوردستانی عراق" به رهبری "شیخ محمد برزنجی" تأسیس کردند. در همین سالها بسیاری از کردهای عراقی به جهاد در افغانستان رفتند که تحت تأثیر جریانات سلفی-تکفیری که بعدها به عرب-افغان ها مشهور شدند در جهاد علیه شوروی به فراگیری آموزه های سلفی-تکفیری پرداختند. این گروه ها همان گونه که در ادامه اشاره خواهیم کرد بعدها هسته اصلی جریانات سلفی-تکفیری در کردستان عراق را تشکیل می دهند.

جریان سلفی-تکفیری "بزوتنه وه" در سال ۱۳۶۹ به رهبری "نجم الدین فرج احمد" معروف به "ملا کریکار"، از "بزوتنه وه" با نام "کو مه لی ئیسلامی" انشعب کرد و بدین ترتیب اولین سازمان سلفی-تکفیری در کردستان عراق تأسیس شد. با پادرمیانی "شیخ عمر عبدالرحمن" رهبر نایبانی حزب جماعت اسلامی مصر که اکنون در آمریکا زندانی است، "ملا کریکار" در پاییز سال ۱۳۷۰ "کو مه لی ئیسلامی" را منحل کرده و دوباره به "بزوتنه وه ئیسلامی" پیوست.

در سال ۱۳۷۱ "ملا کریکار"، مسئول شاخه نظامی "بزوتنه وه ئیسلامی" شد. با توجه به این که بسیاری از اعضای شاخه نظامی "بزوتنه وه" از اعضای سلفی-تکفیری بودند و طی سال های دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی در جریان جهاد شوروی و افغانستان آموزش دیده بودند، "ملا کریکار" با تأسیس ده ها آموزشدهنده نظامی در مناطق مختلف کردستان عراق شروع به آموزش های نظامی و تسلیح "بزوتنه وه" به سلاح های سنگین کرد.

"ملا کریکار" نیروهای نظامی را عمدتاً از جوانانی که در مساجد استان های سلیمانیه و گرمیان و اربیل تحت تأثیر سخنرانی های مهیج و تأثیر گذار وی در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ بودند، تأمین می کرد.

بعد از نتایج غیر قابل پیش بینی که برای "بزوتنه وه" در انتخابات پارلمانی ۱۳۷۰ بدست آمد و نتوانست بیش از ۵ درصد آراء را کسب نماید، فرماندهان و اعضای "بزوتنه وه" به خصوص شاخه سلفی-تکفیری آن شروع به اجرای احکام اسلامی با عنوان "دارالاسلام" در مناطقی از کردستان عراق کردند. آنها دو منطقه را برای این کار انتخاب کرده بودند:

۱. منطقه "په شدر" در مجاورت مرزهای جمهوری اسلامی ایران (نقطه روبروی شهرستان اشنویه در استان آذربایجان غربی)

۲. ناحیه هورامان در مجاورت مرزهای جمهوری اسلامی ایران (نقطه مقابل آن اورامانات ایران مناطق شهرستان مریوان در استان کردستان در امتداد مرز ایران و عراق تا شهرستان پاره در استان کرمانشاه)

آنها این مناطق را با الگو گیری از تجربه "حزب الله لبنان" در "دره بقاع" انتخاب کرده بودند و بر آن بودند که تا به واسطه سیطره نظامی، مناطق تحت کنترل خود را گسترش دهند. هرچند که تمامی اعضای "بزوتنه وه" با این امر موافق

نبودند، اما با توجه به نفوذ "ملا کریکار" در میان اعضای شورای نظامی که سلفی-تکفیری های "بزوتنه وه" بودند، روز به روز تسلط گفتمان این شاخه بر دیگر شاخه های دیگر بزوتنه وه بالاخص برای درگیری بر علیه اتحادیه میهنی کردستان عراق بیشتر و بیشتر شده و حتی چندین درگیری محدود میان نیروهای "بزوتنه وه" و "اتحادیه میهنی کردستان عراق" در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ در منطقه "گرمیان" در جنوب کردستان عراق رخ داد.

شاخه نظامی "بزوتنه وه" که اکثراً از پیروان سلفی-تکفیری "ملا کریکار" بودند، اواخر سال ۱۳۷۲ جنگ علیه اتحادیه میهنی را به صورت بالفعل در سر تاسر مناطق کردستان عراق شروع کرده و بعد از یک مراسم خاکسپاری یکی از اعضای "بزوتنه وه" در رانیه، اعضای مسلح این گروه به کمیته اجرایی "اتحادیه میهنی" در رانیه حمله کرده و شهرهای رانیه، چهارقورنه و حاجی آباد را تصرف کردند.

"اتحادیه میهنی" و "بزوتنه وه" در سال ۱۳۷۶ با وساطت جمهوری اسلامی ایران توافقنامه صلحی امضاء کردند. جنگ میان "بزوتنه وه" و "اتحادیه میهنی" باعث شکست اجرای دارالاسلام در مناطق کردنشین عراق شده و باعث شد که یکی از بزرگترین گروه های شبه نظامی بنیاد گرا در دنیا تضعیف شود زیرا طی دهه های ۶۰ تا ۷۰ شمسی "بزوتنه وه" بیش از ۲۰ هزار جنگاور مسلح داشت.

۱-۳-۱. بروز انشعابات پی در پی "بزوتنه وه" و تأسیس "کومه لی ئیسلامی کردستان"

قبل از سال ۱۳۷۰ در ایران، "بزوتنه وه" دچار انشعابات جدی شد و آن نیز این بود که بین "علی باپیر" رئیس شورای شرعی و رهبری بزوتنه وه یعنی "شیخ محمد برزنجی" اختلاف شدیدی ایجاد شده و "علی باپیر" از "بزوتنه وه" جدایی فراکسیون خویش را اعلام کرد.

در سال ۱۳۷۱ بعد از برگزاری کنگره ششم "بزوتنه وه" شاخه ای به نام "ملا امین جهاد" به رهبری "ملا امین پیرداده خوشناو" از "بزوتنه وه" جدا شد و سازمان تازه ای به نام "کومه لی جیهادی ئیسلامی" را تأسیس و اعلام کرد. ملا امین و پسرش و یکی از اعضای شورای مرکزی به همراه سه نفر از همراهان در سال ۱۳۷۶ در وقت نماز در شهرک صلاح الدین عراق ترور شدند.

بعد از چندین پادرمیانی بی سرانجام در سال ۱۳۸۰ گروه علی باپیر جدایی خویش را از بزوتنه وه یکپوون اعلام کرده و سازمان تازه ای را به نام "کومه لی ئیسلامی کردستان" را تأسیس کردند.

سازمان "کومه لی جهادی ئیسلامی" بعد از ترور "ملا امین جهاد" رو به ضعف نهاد و در ابتدای سال ۱۳۸۱ به "کومه لی ئیسلامی کردستان" به رهبری علی باپیر پیوستند.

بعد از نوسازی دوباره بزوتنه وه اسلامی از سوی "ملا علی عبدالعزیز" و اعلام تأسیس آن در بهار سال ۱۳۸۴ شماری از اعضاء و کادرها از بزوتنه وه جدا شدند و سازمان دیگری را به نام "پیوندی ئیسلامی کردستان" تأسیس کردند که در سال ۱۳۸۸ آنها نیز به "کومه لی ئیسلامی کردستان" به رهبری علی باپیر پیوستند.

این حزب در آخرین انتخابات برگزار شده پارلمان اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۴ با بدست آوردن ۱۱۸۵۷۴ رأی حائز ۵۶٪ کل آراء شد و در انتخابات اخیر پارلمان عراق نیز ۱۴۰۲۳۱ شامل ۳ کرسی و ۰/۹٪ کل آراء را بدست آورد.



۱-۳-۲. تأسیس سازمان "انصارالاسلام" از اتحاد گروه های سلفی_تکفیری منشعب از "بزوتنه وه"

در سال ۱۳۷۶ گروهی دیگر از بزوتنه وه به نام "ریکخرای حماس اسلامی کردستان" به رهبری "حسن صوفی" در مخالفت با موافقت نامه جمهوری اسلامی ایران و "بزوتنه وه" و همچنین همکاری "بزوتنه وه" با "اتحادیه میهنی کردستان عراق"، اتحادیه میهنی را کافر دانسته و این موافقت نامه را حرام اعلام کردند. این گروه که یک گروه سلفی_تکفیری بود به سازمان القاعده نزدیک شد ولی رهبر این گروه در سال ۱۳۷۸ در ماه رمضان در شهر حلبچه ترور شد.

حماس به فعالیت خود ادامه داد و در سال ۱۳۷۹ نماینده خود را به افغانستان فرستاده و بعد از بیعت با اسامه بن لادن و گرفتن راهنمایی از القاعده با سازمان دیگر سلفی_تکفیری به نام "کومه لی توحید ئیسلامی" (که شماری از کادرهای قدیمی "بزوتنه وه" در شهر اربیل بودند)، و گروه "ناوه ندی په یامی ئیسلامی کردستان" به رهبری "ابوخیب" (تأسیس شده در سال ۱۳۷۷ در "بیاره" نقطه مقابل "نوسود" در استان کرمانشاه، در نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی ایران)، با هدایت و راهنمایی اسامه بن لادن مبنی بر وحدت گروه های سلفی_تکفیری، با اتحاد میان خویش "بره توحیدی ئیسلامی" را در سال ۱۳۸۰ تأسیس کردند. بعد از جدایی "کومه لی ئیسلامی کوردستان" از "بزوتنه وه" گروهی دیگر به نام "بی لایه ن ها" از "بزوتنه وه" اعلام موجودیت کرده و از "کومه لی ئیسلامی" تازه تأسیس شده به رهبری "علی باپیر" و همچنین از "بزوتنه وه" اعلام جدایی کردند.

"بی لایه ن ها" از سه شاخه درست شده بودند شامل:

ا. بعضی از شخصیت های مسئول بی طرف به رهبری "شیخ محمد برزنجی" رهبر سابق "بزوتنه وه"

ب. "هیز ۲ سوران"

ج. "ته که توولی اصلاح" به رهبری "ملا کریکار" (رئیس شاخه نظامی بزوتنه وه)

بعد از سه ماه "شیخ محمد برزنجی رهبر "بزوتنه وه" رهبری عالی "کومه لی ئیسلامی" را عهده دار شد. "هیز ۲ سوران" به همراه "به ره توحیدی اسلامی" (که پیش تر از سه گروه تشکیل شده بود)، "جماعه الموحدون" سازمان سلفی_تکفیری عراقی و یک سازمان سلفی_تکفیری اردنی به نام "جند الشام" به رهبری ابو عبدالرحمان الشامی (این گروه همان گروهی بود که ابو مصعب الزرقاوی در میان عرب_افغان ها تأسیس کرده بود) در سال ۱۳۸۰ سازمان تازه ای را به نام "جندالاسلام فی کردستان" را تأسیس کردند. فراکسیون "اصلاح ملا کریکار" به عنوان آخرین شاخه "بی لایه ن ها" بعد از سه ماه از اعلام تأسیس "جندالاسلام" با این گروه متحد شده و سازمان جدیدی به نام "انصارالاسلام فی کردستان" به رهبری ملا کریکار (رهبر سابق شاخه نظامی بزوتنه وه) را تأسیس کردند.

پس سازمان "انصارالاسلام" شامل گروه های زیر است که بیش از ۹۰ درصد کادرهای آن کرد بوده اند:

۱. ریکخرای حماس ئیسلامی کردستان

۲. ناوه ندی په یامی ئیسلامی کردستان

۳. کومه لی ئیسلامی کوردستان

۴. هیز دو سوران

۵. شاخه اصلاح ملا کریکار

۶. جماعه الموحدون (عراقی)

۷. جند الشام (اردنی)

۱-۳-۳. حمله آمریکا به عراق و بمباران پایگاه های "انصارالاسلام"

در سال ۱۳۸۰ بعد از درگیری شدید میان سازمان "انصار الاسلام" و "اتحادیه میهنی کردستان عراق"، این گروه استراتژی خویش از جنگ جبهه ای به جنگ پارتیزانی تغییر داد. با حمله آمریکا به عراق در سال ۱۳۸۲ و بمباران پایگاه های انصارالاسلام در منطقه هورامان، اعضای باقیمانده این گروه که در آوارگی و فشار مضاعف بودند به دو شاخه اصلی تقسیم شدند:

۱. شاخه ای که از اعضای قدیمی "هیز ۲ سوران"، شاخه "اصلاح ملا کریکار" و قسمتی از "جماعه الموحدون" عراقی بودند با همکاری دیگر گروه های سلفی_تکفیری در روز عید قربان در سال ۱۳۸۳ با انجام دو عملیات تروریستی در "ملبند ۳" (دفتر اتحادیه میهنی کردستان عراق در اربیل) و "لق ۲" (دفتر حزب دموکرات کردستان عراق در اربیل)، گروه خویش را به نام "انصار السنه فی عراق" را تأسیس و اعلام کردند.
۲. شاخه ی دیگر که اکثراً از اعضای "بره توحیدی ئیسلامی"، سازمان "جندالشام" به همراه ابومصعب الزرقاوی و چند گروه سلفی_جهادی و شماری از عرب_افغان ها در سال ۱۳۸۲ رهبری "ابومصعب الزرقاوی" سازمانی جدید به نام "جماعت توحید و جهاد" را تأسیس کردند.

۱-۳-۴. تأسیس گروه "دولت اسلامی عراق و شام" _ داعش

گروه "جماعت توحید و جهاد" به رهبری "ابومصعب الزرقاوی" بعد از بیعت با اسامه بن لادن به تقاضای وی، نام این گروه را برای این که معرف پیوستگی آنها به القاعده باشد، به "قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین" تغییر دادند. این سازمان بعد از بیعت، تلاش برای همگرایی و اتحاد میان گروه ها و سازمان های دیگر سلفی_تکفیری در عراق را آغاز کرد. تلاش های زرقاوی منجر به تأسیس "مجلس شوری المجاهدین" به رهبری سازمان "قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین" شد. بعد از کش و قوس های فراوان برای همگرایی میان گروه های سلفی_تکفیری در سال ۱۳۸۵ در شهر "رمادی" عراق، مجموع گروه های سلفی_تکفیری همگرا در عراق، سازمان "دولت اسلامی عراق" را به رهبری "ابومصعب الزرقاوی" تأسیس کردند.

گروه "دولت اسلامی عراق" با عملیات های سهمگین و خونین علیه آمریکایی ها و شیعیان در عراق به فعالیت خود ادامه داد. بعد از کشته شدن "ابو مصعب زرقاوی" در جریان حمله آمریکایی ها و تسلیح عشایر عراقی توسط دولت عراق با عنوان "مجالس الصحوه" و حمله به مواضع این گروه "دولت اسلامی" در غرب عراق (عمدتاً در استان الانبار)، این گروه تا مدتی فعالیت هایش کم رنگ شده و به حاشیه رفت.



با رهبری جدید این گروه توسط "ابوعمر البغدادی" اسم گروه به "الدوله اسلامیه فی العراق و الشام" با مخفف "داعش" تغییر یافت. بعد از قتل "ابوعمر البغدادی" در سال ۱۳۸۹ "ابوبکر البغدادی" جانشین وی شد.

نام حقیقی وی "ابودعا ابراهیم بن عواد بن ابراهیم البدری الرضوی الحسینی السامرای" است که به "ابوبکر البغدادی" مشهور شده است. تاریخ تولد دقیق وی معلوم نیست ولی بر حسب گزارش سازمان سیا، وی در سال ۱۳۵۰ در شهر سامرا، در ۹۵ کیلومتری شمال بغداد به دنیا آمده است و اکنون حدوداً ۴۳ ساله است. او از عشیره ی سادات بدری مشهور به "البویدری رضوی حسینی هاشمی قریشی است". "البغدادی" فارغ التحصیل دکتری فقه اسلامی از دانشگاه بغداد است و بعد از فارغ التحصیلی به عنوان مدرس دانشگاه در تاریخ و علم انساب به تدریس پرداخته است.

در یک نگاه گذرا به خانواده وی در می یابیم که پدرش "عواد بن ابراهیم" یکی از بزرگان سلفی_تکفیری در عراق بوده که در منطقه دیالی و سامرا به تبلیغ دینی مشغول بوده و از بزرگان عشیره "البویدری" است. وی به دائم الصلوه بودن، به جا آوردن صلوات، برآورده کردن نیازهای خانواده های بی بضاعت و به تدین و اخلاص مشهور و همچنین امام جماعت مسجد امام احمد حنبل سامرا بوده است. حتی برادران بغدادی و پسر عموهایش نیز به تدریس عربی و سخنوری و منطق و بویژه آموزش "عقیده سلفی" مشغول بوده اند. وی پس از اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۱۳۸۲ بغدادی در منطقه ی فلوجه در حمله به یگانهای آمریکایی مشارکت کرده و در آنجا با فرماندهان قدیمی ارتش صدام همراه و هم پیمان شد و جنگ به شیوه ی گروههای کوچک چریکی را مدیریت کرد. در همان دوره توسط آمریکاییها دستگیر و روانه ی زندان شد.

بنا به مصاحبه روزنامه القدس العربی با یکی از تروریستهای داعشی به نام "ابوعبد الرحمن الحمد" (که یکی از جنگجویان داعش در حمص در کشور سوریه بوده است) در خلال سفرشان با گروهی از جنگجویان تکفیری سوری که برای مقابله با آمریکایی ها رفته بودند، "البغدادی" را در دیالی در سال ۱۳۸۳ ملاقات کرده و درباره وی می گوید:

"ابوبکر البغدادی" بسیار کم حرف می زد و هنگامی که صحبت می کرد ما را قانع می نمود حتی اگر وسط بمباران و درگیری ها بود. وی برنامه ریزی نبردها و بازگشت ما رانیز به عهده داشت.

"البغدادی" فعالیت تروریستی خویش را با یاران خویش شروع کرده و سپس با تأسیس گروه "جیش اهل السنه و الجماعه" در استان های سامرا، دیالی و بغداد، فعالیت داشت. زمانی که "البغدادی" به ریاست شورای شرعی گروه "جیش السنه" رسید بعد از یک هفته با "مجلس شوری المجاهدین" (گروه هماهنگ کننده فعالیت های سلفی_تکفیری به رهبری ابومصعب الزرقاوی رهبر جماعت توحید و جهاد) بیعت کرده و گروه خویش را به "مجلس شوری المجاهدین" منضم کرد. "البغدادی" در طول فعالیتش به عنوان یکی از اعضای شورای شرعی "مجلس شوری المجاهدین" انتخاب شده و نفوذ و شهرت "البغدادی" به ارتباطات گسترده و نفوذ وی در میان افراد عشیره اش در دیالی و سامرا باعث شد که بخشی از عشایر سامرا با بیعت با وی به صورت کامل وفاداری خود را به گروه تروریستی "دولت اسلامی عراق" به رهبری "ابو مصعب الزرقاوی" که بعد ها به "داعش" مشهور شد، اعلام نمایند.

وی به عنوان پشتوانه اصلی حرکت سلفی_تکفیری در منطقه مردم را به جهاد دعوت کرده و برای اجرای شریعت اسلامی در سامرا و دیالی فعالیت می کرد و مسجد امام احمد حنبل در سامرا مرکز فعالیت های تبلیغی وی

بود. "البغدادی" در یکی از اتاق های مسجد به صورت مخفی زندگی می کرد و او همین مسجد را مرکز اصلی تصمیم گیری های القاعده در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ قرار داد.

"البغدادی" بعد از قتل "ابوعمر البغدادی" و "ابو ایوب مصری" و توسط آمریکایی ها در بهار سال ۱۳۸۹ به رهبری گروه دولت اسلامی عراق رسید، و در ماه می همان سال، وی شروع به گسترش بیش از پیش سازمان با عضو گیری های جدید کرده و در طول یک سال و نیم رهبری اش که مصادف با خروج آمریکایی ها بود به فعالیت بیش از پیش پرداخت. بعد از خروج آمریکایی ها از عراق در دسامبر ۱۳۹۰ که فراغت امنیتی زیادی برای "البغدادی" به عمل آورد وی برای گسترش فعالیت های گروهش در سال ۱۳۹۲ شهر "رقه" را در شرق سوریه در نزدیکی مرزهای عراق به تصرف درآورد. این اولین حرکت وی برای تأسیس "دولت اسلامی" بود و زمانی که وی بر "رقه" مسلط شد، دادگاه های شرعی را در آنجا تأسیس کرد و به توزیع احتیاجات اساسی مردم، توزیع کمک های انسانی و تأمین برق مورد نیاز شهروندان این منطقه پرداخت.

"ابوبکر البغدادی" برای مدت زیادی تا پایان سال ۱۳۹۲ مسئول تمامی فعالیت های نظامی القاعده در عراق بود و مجموعه بزرگی از عملیات های تروریستی را در این کشور سرپرستی کرد و در فروردین همان سال وی ۲۳ عملیات تروریستی را در جنوب بغداد انجام داد.

در سال ۱۳۹۲ "البغدادی" حمله "شکست دیوارها" را که در آن حمله و تخریب بیش از ۸۰ زندان که در میان آنها زندان مرکزی بغداد (ابوغریب سابق) آغاز کرد و بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر از جنگاوران قدیمی و کارآموده ی القاعده از زندان گریختند که همه ی آنها به گروه داعش پیوستند که در میان آنها افرادی بودند که از کارشناسان زبده ی بمبگذاری، انفجارات و فرماندهی جنگهای چریکی به شمار می آمدند. این عملیات سبب گسترش محبوبیت بیش از پیش وی در میان جنگجویان سلفی_تکفیری شد.

"البغدادی" بعد از رفتن به سوریه تصمیم های جدیدی اتخاذ کرد. او که علاقه زیادی به مفهوم "دولت خلافت اسلامی" دارد، امری که باعث شد، کلمه "الشام" را با انتهای گروه "دوله العراق الاسلامیه" با عنوان جدید "دوله الاسلامیه فی العراق و الشام" با مخفف داعش اضافه کند. با دخالت وی در تصرفات گروه های تروریستی سوریه، جبهه النصره گروه مسلح مرتبط با القاعده در آنجا موضع خصمانه ای علیه این گروه اعلام کرد.

سیطره خصمانه داعش در سوریه بویژه بعد از انجام اعمال وحشیانه ای مانند: قطع سر جنگجویان وفادار اسد و اجرای خلافت اسلامی مورد انتقاد برخی از گروه های سلفی_تکفیری از نقش "داعش" در سوریه شد. بویژه بعد از این که جنگ داخلی میان داعش و گروه های اپوزوسیون سوری شعله ور شد و بنا به گزارش "دیده بان سوری حقوق بشر" در جنگ میان داعش و دیگر گروه های تروریستی در طی ۳ ماه ۱۷۰۰ نفر کشته شده اند. داعش نیز اعلام کرد که فرماندهان النصره خائن هستند و چند بار علیه فرماندهان داعش، دست به سوء قصد زده اند. النصره به دنبال این اتهامات، نزد ایمن الظواهری رهبر القاعده شکایت برد و ظواهری نیز برای حل این معضل از بغدادی و جولانی (رهبر النصره) خواست برای حضور در دادگاه شرعی، نزد او بروند. اما "البغدادی" این درخواست را رد نمود و با ارسال یک فایل صوتی برای "شبکه الجزیره" اعلام کرد که تنها "اسامه بن لادن" را به عنوان رهبر خود میدانند و حاضر به تبعیت از دستورات "ایمن



الظواهری "نیست. پس از این رویداد، اغلب تروریست های خارجی "جبهه النصره" نیز به داعش پیوستند این مسأله باعث شد که "داعش" در ابتدای سال ۱۳۹۳ جدایی خویش را از سازمان القاعده اعلام نماید.

اگرچه داعش تحت رهبری ابوبکر "البغدادی" نیز همانند القاعده از نظر ایدئولوژیکی، یک جریان سلفی_ تکفیری به شمار می رود، اما از لحاظ تاکتیک های نظامی، "داعش" ویژگی های خاص خود را دارد.

"ابوبکر الجنابی" یکی از فرماندهان اصلی داعش در مصاحبه با روزنامه الرأی العام کویت، در پاسخ به این سؤال که چرا داعش خشونت هایش در عراق به اندازه سوریه نیست و ما شاهد آن قساوتهایی که در سوریه اتفاق افتاد در عراق نیستیم می گوید:

"عراق با سوریه فرق می کند و وضع انسان نیز در اوقات مختلف فرق می کند ما خشونت ها را نیز در اینجا در سال ۲۰۰۶ شروع کردیم اما از آن وقایع عبرت گرفتیم".

۱-۳-۵. داعش یک گروه یا یک تابلو؟!

باید دانست آن چه که اکنون در سپهر سیاسی عراق جریان دارد فقط حاصل فعالیت های گروه داعش نیست. اکنون مجموعه ای از گروه ها و سازمان ها هستند که با نوعی تفاهم نوشته و یا نا نوشته در چهارچوب یک فعالیت نسبتاً منسجم با تابلوی گروه داعش به فعالیت می پردازند. مهم ترین این گروه ها عبارتند از:

۱. بقایای حزب بعث در قالب گروه "رجال النقشبندیه" با فرماندهی عزت ابراهیم الدوری معاون سابق شورای فرماندهی انقلاب

حزب بعث با فرماندهی عزت ابراهیم الدوری که اتفاقاً اهل موصل است و سابقاً فرماندهی شورای انقلاب را در حکومت صدام به عهده داشت یکی از گروه هایی است که به شدت در مناطق شمال و غرب عراق فعال است. این گروه که دارای سابقه چند دهه فعالیت تشکیلاتی و نظامی است که توانسته است با جهت دهی داعش و کنترل اهداف و برنامه های آن، این گروه را در جهت اهداف خویش به خدمت گیرد. این حزب که شاخه نظامی آن به "رجال النقشبندیه" مشهور است، با انتصاب هاشم جاموس (افسر بعثی) از طرف داعش به سمت استاندار موصل و روی کار آوردن احمد عبدالرشید بعنوان استاندار جدید صلاح الدین (تکریت) هویت آنان بیش از پیش روشن شد و مشخص شد که آنچه در این مناطق تحت سیطره گروه های شورشی میگذرد از جهتی بازگشت نیروهای بعثی به عرصه قدرت می باشد .

۲. طرفداران طارق الهاشمی

طارق الهاشمی رهبر حزب اسلامی عراق که سابق بر این معاون رئیس جمهور عراق بود در جریان فعالیت های تروریستی علیه دولت عراق متهم به پشتیبانی و خط دهی به گروه های تروریستی شد. وی ابتدا با فرار به اربیل و بعد از آن به ترکیه در دادگاه برای پاسخ گویی به اتهامات حاضر نشد و دادگاه نیز به طور غیابی برای وی حکم اعدام صادر کرده است. طارق الهاشمی و طرفداران وی در سالهای اخیر برای تضعیف دولت عراق از هیچ تلاشی فروگذار نکرده اند.

۳. نیروهای عشایری اهل سنت عراق به رهبری شیخ علی الحاتم شیخ عشیره الدلیم:

بعد از وقوع انقلاب های عربی عشایر اهل سنت بالاخص در استان الانبار با اتحادی منسجم به بیان مطالبات خویش پرداختند. هر چند که همه این نیروها در حال حاضر وارد جنگ مسلحانه با دولت مرکزی عراق نشده اند اما شیخ علی حاتم بعد از وقایع اخیر با صدور بیانیه ای از مالکی درخواست کرده که استعفا دهد و زمینه را برای انتخابات جدید فراهم کند و به نوعی، پشتیبانی ضمنی خود را از داعش اعلام نموده است. وی اخیراً طی مصاحبه ای با نشریه ای گفته است که اگر با فتوای سیستمی مردم عراق به سوی استانهای غربی بسیج شوند خانه سیستمی را منفجر خواهیم کرد.

۴. انصار الاسلام

همان گونه که در بخش مربوط به گروه های سلفی_تکفیری در کردستان عراق پرداختیم این گروه با جدا شدن از جنبش اسلامی کردستان (بزوتنه وه) و ائتلاف با نیروهای کرد سلفی همچون "لشگر دو سوران" و گوه توحید تشکیل شد که رهبر آن "نجم الدین فرج" یکی از جنگجویان دوره جهاد با شوروری در افغانستان است که با عنوان «ملاکریکار» شناخته می شود. وی اکنون در نروژ اتهام فعالیت های تروریستی در زندان است.

برخلاف آنچه که تصور می شود، داعش در حملات و درگیریهای خود تنها نیستند و بسیاری از عشایر و گروههای مردمی نیز از آنها حمایت می کنند. معمولاً در هر منطقه ای که توسط داعش فتح می شود، نانواییها نان رایگان به مردم می دهند و داعش تأثیر مثبت این اقدام را در بسیاری از مناطق سوریه، تجربه کرده است.

۱-۳-۶. وضعیت کنونی احزاب اسلامی در کردستان عراق

هر چند که در صفحات قبلی تا حدودی توانستیم به صورت مختصر تاریخ شکل گیری احزاب اسلام گرای کرد بویژه انشعابات پی در پی آن ها را که منجر به تأسیس گروه "داعش" است را نشان دهیم، اما باید خاطر نشان کنیم احزابی که به صورت رسمی فعالیت می کنند نمایانگر تمامی فعالیت های بنیاد گران در منطقه کردستان عراق نیستند هسته های آشکار و پنهان و سلفی_تکفیری هایی که در آخر به انصار الاسلام مشهور بودند، اکنون در کردستان عراق به فعالیت مشغول هستند و ما اکنون در کردستان عراق شاهد سه رهیافت اصلی در میان احزاب اسلامی هستیم:

۱. جریان "اخوانی" در قالب شاخه رسمی اخوان المسلمین جهانی:

این رهیافت نماینده آن "اتحاد اسلامی کردستان" به رهبری "محمد فرج" است و توسط اخوان جهانی نیز پشتیبانی می شود و در واقع شاخه رسمی اخوان المسلمین در کردستان عراق است.

۲. جریان "بومی" اسلامی:

این رهیافت که نماینده اصلی آن "کومه لی ئیسلامی" و "بزوتنه وه ئیسلامی" است و طی تحولات ۵۰ سال اخیر در کردستان عراق به وجود آمده و دارای ویژگی های خاص خود است.

۳. رهیافت سلفی_تکفیری:

این رهیافت همان گونه که اشاره شد سابقه و نفوذ جدی در میان احزاب اسلام گرا داشته است و اکنون به صورت مخفی و زیر زمینی به فعالیت خویش ادامه می دهد. این جریان با توجه به تحولات اخیر عراق به شدت در حال گسترش کیفی و کمی است و با توجه به حمله اخیر داعش به مناطق کردنشین عراق این جریان عملاً اکنون یکی از طرف های



اصلی درگیر است و با اعزام جوانان سلفی_ تکفیری به مناطق جنگی نقش پمپاژ نیرو و تدارکات را برای داعش به عهده گرفته است.

باید دانست هر چند دولت اقلیم کردستان عراق سعی دارد مدل حزب عدالت و توسعه ترکیه را در مدیریت روحانیون و جریان های اسلامی به کار برد. اما گروه های فوق هر کدام در مناطق مختلف کردستان عراق، در مساجد مختلف شروع به یارگیری و آموزش و جذب کادر و هوادار می کنند. دولت اقلیم کردستان عراق با تأسیس "وزارت اوقاف و امور دینی"، مساجد را در کردستان عراق تحت کنترل داشته و بالاخص در شهرهای بزرگ روحانیونی که همگرا با دولت هستند به عنوان "امام جماعت" تأیید می کند.

۲. تبار شناسی احزاب و سازمان های اسلام گرای کردستان ایران

۲-۱. احزاب اسلام گرای کردی در کردستان ایران

در مناطق کردنشین ایران سرگذشت تأسیس احزاب اسلام گرا بسیار متفاوت از سرگذشت آنها در مناطق کردنشین عراق است. روحانیت سنتی کردی در طول تاریخ اصولاً در سیاست دخالت نکرده و به نوعی چون دولت مستقر در ایران در زمان قاجار و ابتدای پهلوی، شیعه بوده است به "مصدق اولوالامر" معمولاً پشتیبان نظام مستقر بوده اند. بعد از حمله متفقین و بروز واگرایی های منطقه ای، اتفاقاً تأسیس "جمهوری مهاباد" توسط یکی از روحانیون خوشنام و مشهور به نام "قاضی محمد" از خاندانهای مشهور مهاباد و پشتیبانی ضمنی اکثریت روحانیون سنتی کرد بوده است.

بعد از وقایع آذربایجان و کردستان، ما شاهد پیوند ناسیونالیسم کردی و روحانیت سنتی کرد هستیم و روحانیت سنتی کرد ایرانی بر خلاف روحانیون کرد عراقی از پیشروان مطرح کردن اندیشه های ناسیونالیستی کردی در ایران هستند. بعد از سقوط جمهوری مهاباد، فعالیت سیاسی روحانیت کردی به محاق رفته و تا دهه ۴۰ ما شاهد کمترین اثر و تحرک روحانیون کردی برای تأسیس احزاب و انجمن های سیاسی هستیم.

بعد از دهه ۴۰ و شیوع و گسترش اندیشه های اخوانی در خاورمیانه و بالاخص در کردستان عراق (همان گونه که به طور مفصل اشاره شد) به علت سابقه طولانی روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کردهای عراق و کردهای ایران کم اندیشه های اخوانی نیز در میان کردهای ایرانی رواج پیدا کرده و با توجه به فعالیت های گسترده کردهای عراقی و انتشار جزوات و کتب اخوان المسلمین در عراق، در این سوی مرز نیز خواه ناخواه از این جریان ها متأثر شده است. البته فعالیت گروه های اسلام گرای شیعی نیز در رشد اندیشه های اسلام گرایانه میان کردها بی تأثیر نبوده است.

در همین زمان ما شاهد ترجمه کتب بسیاری از "سید قطب" و "حسن البنا" و... توسط روحانیون شیعی به فارسی هستیم. تبلیغ اندیشه های اسلام گرایانه که بعدها توسط دکتر شریعتی به اوج رسید یکی از دلایل اصلی رشد اندیشه اسلامی در میان مناطق کردنشین ایران است و حتی اکنون نیز اندیشه دکتر شریعتی در میان کردهای اهل سنت طرفدارانی دارد.

هر چند که از ابتدای انقلاب ما شاهد تأسیس احزابی دینی چون "رزگاری" به رهبری "شیخ عثمان نقشبندی" بودیم اما باید توجه داشت که در تقسیم بندی های رایج میان سازمان ها و گروه های اسلامی، این حزب در چهارچوب احزاب

اسلامی بنیاد گرا قرار نمی گیرد و به علت دشمنی "شیخ عثمان نقشبندی" رهبر طریقت نقشبندیه با نظام جمهوری اسلامی ایران و هواداری سلطنت این حزب توانست پیروان خویش را تا مدتی به مقابله نظامی با نظام بپردازد که بعدها با درگیری با "کومه له" این گروه نیز از گردونه فعالیت های سیاسی خارج شد.

از یاد نبریم جریان هویت خواه کردی در قالب "حزب دموکرات کردستان ایران" در سالهای دهه ۴۰ و ۵۰ جریان مسلط بر فعالیت های سیاسی در منطقه کردستان ایران بوده اند و این تسلط اتفاقاً باعث شده است که روحانیون سنتی کرد نیز یکی از حاملان اساسی جریان هویت خواهی کردی شوند و صرف نظر از اندیشه های جهان گرایانه اسلامی که اخوان المسلمین مروج آن بودند روحانیون کردی همواره از پشتیبانان اصلی جریان هویت خواهی کردی بوده است. در این سالها یکی از مهمترین افرادی که باعث رشد اندیشه های اسلام گرایانه در میان کردها است "احمد مفتی زاده" است.

۲-۱-۱. احمد مفتی زاده و تاسیس مکتب قرآن

"احمد مفتی زاده" (۱۳۷۱ - ۱۳۱۱) فرزند محمود مفتی زاده از خانواده های مفتی شهرستان سنج و اصلالتا اهل پاوه می باشد. شناخت جریان مکتب قرآن کردستان ایران، بعنوان یک جنبش نوگرایی دینی در کردستان ایران از دهه ی پنجاه شمسی تا زمان حاضر، مستلزم شناخت، آراء و اندیشه ها و عملکرد شخص وی است که بعنوان شناسنامه این جریان نوگرایی دینی مطرح می باشد. مراحل اصلی تطور اندیشه وی را می توان به شرح زیر تقسیم بندی کرد:

مرحله اول:

سنین نوجوانی ایشان مصادف با سقوط جمهوری خودمختار مهاباد و شروع فعالیت های سیاسی فعالان حزب دموکرات کردستان ایران و دوران بازسازی هسته ها و تشکیلات مناطق این حزب بوده که ایشان نیز به علت همکاری با جریانات فوق، توسط ساواک دستگیر و از سال ۴۱ الی ۴۳ زندانی می شود.

مرحله دوم:

پس از آزادی از زندان وی به فضای تدریس و تحصیل علوم دینی بازگشته، که تا سال ۱۳۵۷ به طول انجامید. وی به زعم خویش در زندان با الهاماتی که از طریق خواب دیدن رسول اکرم (ص) حاصل شده، به رمز نجات و رستگاری بشر پی می برد و تنها راه علاج بشر را بازگشت به "قرآن و سنت" می داند. البته وی در این دوره از اندیشه های دکتر علی شریعتی و مهندس بازرگان تأثیر جدی پذیرفته است و حتی در جایی گفته است که من شریعتی کردستانم.

مرحله سوم:

وی در این دوره مدرسه قرآن را که بعدها "مکتب قرآن" نام گرفت در سال ۱۳۵۶ تاسیس کرد و با نظریه پردازی درباره حکومت دینی شروع به مفصل بندی اندیشه سیاسی خویش کرده و با تئوریزه کردن مساله شورا در اسلام، الگوی پیشنهادی حکومتی خود را ارائه کرد.

او معتقد بود که حکومت اسلامی باید به صورت خلافتی و شورایی اداره گردد و در جایی هم خود را همپراز رهبر فقید انقلاب دانسته و اعلام داشته بود که شما (امام خمینی) جهان تشیع را رهبری نمائید من هم جهان تسنن در این دوره به علت زاویه جدی با نظام، وی به مدت ده سال زندانی گردید.



در این دوره که مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی است "مکتب قرآن" یکی از طرفداران جدی نظام مستقر جدید یعنی "جمهوری اسلامی ایران" است و توسط احزاب کردی، ناسیونالیست و چپ یعنی "حزب دموکرات کردستان" و "کومه له زحمتکشان" مورد انتقاد و تخریب شدید بود.

مرحله چهارم :

زندانی شدن طولانی مدت و دوری از فضای درس و بحث و جریانات سیاسی و مسائل اجتماعی، مرحله چهارم حیات اجتماعی سیاسی ایشان را رقم می زند. این مرحله از زندگی سیاسی مفتی زاده از او یک چهره اخلاقی و صوفیانه افراطی بوجود آورده است، بطوری که از نامه های دوازده گانه ایشان که از داخل زندان برای همراهان و هوادارانش با عنوان "برنامه های کاک احمد برای عموم هم مسیران" برمی آید به شدت هواداران را از نزدیکی به سیاست و خشونت منع کرده و بیشتر به تهذیب نفس و اشراق درونی توصیه نموده است. وصیت نامه ایشان مالا مال از توصیه های اخلاقی و عرفانی می باشد و حتی از سروده های عرفانی اش در داخل زندان که به گفته خویش، نتیجه خواب دیدن رسول اکرم (ص) می باشد، هواداران خود را از هر گونه ورود به مناقشات سیاسی برحذر داشته است.

همان گونه که در بالا اشاره شد یک "شیفت پارادایمی" در اندیشه مفتی زاده مشاهده می شود که به صورت شگفت انگیزی بر رفتار سیاسی اعضای مکتب قرآن و هواداران ایشان تأثیر داشته است.

بطوری که رویکردهای اخلاقی و فرهنگی بنیانگذار این جریان با تابعین و رهبران فعلی تفاوتهای فاحشی دارد. در حال حاضر آموزه های اخلاقی اساس فرهنگ فکری اجتماعی و سیاسی جریان "مکتب قرآن" را تشکیل می دهد، کاملاً بصورت متمرکز و یکپارچه عمل می کنند و روابط خانوادگی فرد مکتبی با خانواده اش در چهارچوب قواعد مکتب قرآن می باشد. در واقع مکتب در همه امور کلی و جزئی پیروانش دخالت مستقیم و مؤثر دارد. این آموزه ها تا جزئی ترین رفتارهای شخصی افراد مکتبی پیش رفته است.

در حال حاضر جریان مکتب قرآن به دو شاخه سعدی قریشی و حسن امینی منشعب شده است و هر دو جریان در حال فعالیت ترویجی-تبلیغی خویش در مناطق کردنشین ایران می باشند.

نگارنده بر این باور است که جریان مفتی زاده را باید در قالب گروه های "تحول خواه" و "اصلاح گر دینی" و نه جریانات بنیاد گرای سلفی اعم از تبلیغی یا تکفیری دسته بندی کرد، زیرا اندیشه های وی در بسیاری از موارد و اصولاً در چهارچوب تقسیم بندی گروه های بنیادگرای موجود در نمی گنجد.

حوزه نفوذ مکتب قرآن در مناطق کردنشین اهل سنت در استانهای کردستان یعنی مریوان، سنندج، و سقز، استان کرمانشاه جوانرود و پاوه است.

۲-۱-۲. جریان اخوان المسلمین در قالب گروه "جماعت دعوت و اصلاح ایران"

یکی دیگر از جریاناتی که در اینجا قابل اشاره و تحقیق جدی است "رهیافت اخوانی" با پشتیبانی اخوان جهانی است. با وقوع انقلاب اسلامی در منطقه خاورمیانه جریان های اسلامی بالاخص جریان اخوانی شروع به یارگیری و فعالیت در مناطق کردنشین ایران پرداختند. جریان اخوانی که به صورت رسمی تحت عنوان گروه "جماعت دعوت و اصلاح" به

فعالیت می پردازد جریانی سرتاسری و مربوط به تمامی مناطق اهل سنت نشین ایران (البته با محوریت شافعی ها) است. اما از آنجا که مؤسس و بسیاری از سران و رهبران و کادرهای اصلی و اندیشمندان آن کرد هستند و در مناطق کردنشین اهل سنت ایران دارای نفوذ بسیاری است.

این جریان با تشکیل کلاس های عقیدتی برپایی اردوهای فرهنگی هنری ورزشی مسابقات قرآن و... به فعالیت جدی در میان مناطق اهل سنت نشین ایران بالاخص مناطق کردنشین اهل سنت ایران می پردازد. این گروه، گروه های هدف خویش را با تأسی از روش اخوان المسلمین، طبقه متوسط با اولویت دانشگاهیان، روحانیون، و صاحبان حرف و مشاغل قرار داده است. این جریان که خود را نماینده جریان اسلام معتدل و میانه روی اهل سنت و پیرو اخوان جهانی و مدافع حقوق اهل سنت در سراسر ایران می داند و برای احقاق حقوق اهل سنت در ایران تلاش می کند.

اعضای آن عموماً "تحصیلکردگان حوزوی اتحادو دانشگاهی و آشنا به زبانهای خارجی هستند مشابه ترین این جریان در کردستان عراق حزب "یه کگرتوو ئیسلامی کوردستان" به رهبری "محمد فرج" است. این دو گروه روابط مستحکم، منسجم و منظمی با یکدیگر دارند و در طی سالهای اخیر با توجه به خودگردانی اقلیم کردستان عراق و نفوذ "اتحاد اسلامی کردستان" روابط آنها به عالی ترین درجه رسیده است. به علت فراگیری این جریان در مناطق اهل سنت نشین ایران می توان این جریان را مؤثر ترین حرکت اسلام گرای میانه رو در مناطق اهل سنت نشین ایران دانست.

۲-۱-۳. جریان "جماعت تبلیغی"

جریان دیگری که در اینجا شایسته تحقیق و بررسی جدی است و تأثیر مهمی بر فهم عمیق جریان های سلفی اعم از تبلیغی و تکفیری دارد جریان "جماعت دعوت و تبلیغ" است، آن گونه که می دانیم جریان سلفی اصولاً "با رهیافت های صوفیانه و دنیاگريزانه به شدت مخالف است و در تمامی جهان اسلام با جریان های تصوف به عنوان گفتمان رقیب خویش به شدت درگیر است. سلفی ها، متصوفه را به عنوان بدعت گزارانی می پندارند و در برخورد شدید و حذفی با آنان از هیچ خشونت فروگذار نمی کنند.

جماعت دعوت و تبلیغ که توسط اسحاق در هندوستان پایه گذاری شده است و به سرعت در مناطق شبه قاره و همچنین در بلوچستان و تا حدودی مناطق کردنشین ایران گسترش یافته است. این جریان به اصلاح فردی و سپس اصلاح اجتماعی، تزکیه و تهذیب نفس و بجا آوردن سنت ها و آیین های مذهبی اهل سنت و پرهیز از ورود به سیاست و پرهیز از نهی منکر در شرایط کنونی توصیه می کند.

۲-۱-۴. جریان سلفی_تکفیری در کردستان ایران

باید دانست که جریان سلفی رهیافتی است که دربرگیرنده تمامی کسانی است که معتقد به عقیده سلفی در عمل سیاسی خویش هستند. اما این جریان شاخه های متفاوتی دارد که لزوماً در پروسه سیاسی با یکدیگر همسان نیستند و چه بسا اختلافاتی نیز با هم دارند. در یک تقسیم بندی کلی جریانات سلفی را به دوبخش سلفی_تبلیغی و سلفی_تکفیری تقسیم بندی می کنند.



مقسم اساسی این دو جریان اصلی نه در نحوه مراجعه آن ها به متون و نصوص دینی به عنوان مهم ترین محرک آنها برای فعالیت سیاسی بلکه در یک نکته و آن هم اقدام به جهاد به عنوان "مهم ترین واجب فراموش شده" به زعم آنهاست. چه این که سلفی_تبلیغی و سلفی_تکفیری اصولاً "هیچ اختلافی با یکدیگر در زمینه عقیده اسلامی، نحوه برخورد با متون و نصوص، مسأله بدعت، دارالاسلام، دارالکفر، طاغوت، هجرت، و ... را ندارند و در بسیاری از مواقع داعیان و مبلغان سلفی به عنوان هموار کننده مسیر تبلیغ و نشر آرای جهادی در میان جامعه پرداخته تا زمینه برای فعالیت های سلفی تکفیری فراهم شود.

۲-۱-۴-۱. نسبت جریان "جماعت تبلیغی" و جریان "سلفی_تکفیری"

در نگاه اول این گونه تصور می شود که این دو جریان اصولاً "مخالف یکدیگر بوده و هیچ قرابتی با یکدیگر ندارند اما باید توجه داشت که با توجه به فرهنگ عمومی ایرانی که در تمامی مناطق اهل سنت نشین تا حدی رواج دارد، جریان جماعت تبلیغ با ترویج باورهای که نوعاً "به دنبال حذف نمود های فرهنگی ایرانی است به عنوان جاده صاف کن جریان سلفی عمل می کند. می دانیم اگر جریان سلفی بخواهد در هر جامعه ای موفق شود باید بستر آن جامعه برای نضج و گسترش اندیشه های خویش آماده باشند. جامعه ی کرد های اهل سنت ایران در مقایسه با دیگر اقوام ایرانی یکی از جوامعی است که اتفاقاً "مناسبات فرهنگی اجتماعی اقتصادی آن مہیای پذیرش اندیشه سلفی نیست اما بعد از گسترش فعالیت های جماعت تبلیغی در دو دهه اخیر که به نوعی به دنبال تطبیق باورهای مذهبی سنی برای زیست اجتماعی است ما شاهد نمودهای کاملاً "متفاوت با فرهنگ ایرانی اسلامی در این مناطق هستیم که در طول تاریخ سابقه نداشته است. رواج البسه جدید چون شلوارهای کوتاه تا بالای مچ پا توسط مردان و ریش های انبوه، و نقاب توسط زنان در طول تاریخ فرهنگی کردها سابقه نداشته است و حتی روحانیون کرد اهل سنت هیچ گاه این گونه سخت گیری شدید مذهبی نداشته اند.

باید توجه داشت که فعالیت های جماعت تبلیغی در عرصه فرهنگی در طول این سالها کاملاً به سود جریان سلفی بوده است و سلفی ها برای تبلیغ اندیشه های منحرف خویش چون بدعت، شرک، طاغوت و توسط روافض (شیعیان) با مشکلات کمتری مواجه هستند.

متأسفانه در طول سالهای اخیر جریان سلفی با تلاش هر چه بیشتر در تمامی مناطق کردنشین اهل سنت ایران به فعالیت پرداخته است و از ارومیه تا پاره نمودهای فعالیت این جریان آشکار است. هر چند که فعالیت سلفی ها در مناطق کردنشین ایران تا کنون نمود عینی تشکیلاتی آشکار نداشته است اما اکنون دیگر اندیشه سلفی در مناطق کردنشین ایران اندیشه ای وارداتی و بیگانه نیست و در طول دو دهه اخیر ده ها روحانی سرشناس و طلبه های جوان اینک به تبلیغ و فراگیری اندیشه های سلفی پرداخته اند.

متأسفانه ما اکنون شاهد نسل جدیدی از روحانیت کردی هستیم که هیچ مشابهتی با روحانیون سنتی مشهور به مدارا و تساهل، ندارند. این جریان به صورت آشکار در تمامی مناطق کردنشین اهل سنت ایران به فعالیت می پردازد و اتفاقاً

دارای رهبری یکپارچه و منسجمی نیست و هم و غم خویش را مصروف به تبلیغ باورهای سلفی در میان مردم پرداخته است و تا حدودی در مناطق بوکان، سرپل ذهاب و ارومیه و جواهرود نیز موفق بوده است.

جریان سلفی_تکفیری بالاخص بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۱۳۸۲ و بمباران پایگاه های "انصارالاسلام" در "بیتوته" و "بیاره" در نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی ایران و ورود آنها به مناطق اوارمانات فعالیت های جدی خویش را شروع کرده است. این جریان که در رسانه ها با عنوان های مختلفی مانند "توحید و جهاد" و ... مشهور است، ابتدا با ترور "ماموستا شیخ الاسلام" نماینده فقید مجلس خبرگان استان کردستان و "ماموستا برهان عالی" امام جماعت مسجد شهرک بهاران سنج فعالیت علنی خویش را آشکار نموده و بعد از راه اندازی مجموعه رسانه ای وصال (wesal) توسط سلفی_تکفیری ها، ساعاتی در روز، به زبان کردی برنامه پخش می کند. این جریان بعد از تحرکات اخیر داعش در عراق فعالیت های تبلیغی خویش را گسترده تر کرده و ده ها سایت و وبلاگ نیز به تبلیغ اندیشه های سلفی_تکفیری می پردازند.

۳. روند تأثیر و تأثر منطقه ای میان احزاب کرد اسلام گرای ایرانی و عراقی

۳-۱. "جماعت دعوت و اصلاح ایران" و "یه کگرتوو ئیسلامی کوردستان"

آنگونه که در معرفی احزاب و گروه های اسلام گرای کردی در منطقه کردستان عراق اشاره کردیم بیشتر این جریانات اتفاقاً بعد از انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی، در ایران به فعالیت های خویش ادامه می دادند و این جریانات اصولاً برای کردهای ایرانی شناخته شده اند. "یه کگرتوو ئیسلامی کوردستان" و "کومه لی ئیسلامی کوردستان" سالیان درازی در مناطق کردنشین ایران پایگاه داشته و بسیاری از کادرهای اصلی آنها چندین سال در مناطق کردنشین ایران زیسته اند. بعد از سقوط صدام، رفت و آمد میان مرزهای ایران و عراق بیشتر و بیشتر شده است و ما در ایران شاهد رونق انتشار نشریه ها و جزوات مربوط به کردهای عراق در ایران هستیم. دو حزب "یه کگرتوو ئیسلامی کوردستان" به رهبری "محمد فرج" و "جماعت دعوت و اصلاح ایران" به رهبری "احمد پیرانی" در تمامی مواضع گفتارها و روش های تبلیغی خویش کاملاً هماهنگ عمل کرده و با پیروی از دستورات اخوان جهانی به فعالیت می پردازند.

جماعت اسلامی کردستان عراق به رهبری علی باپیر همگرا ترین گروه موجود در میان احزاب اسلام گرای عراقی است و در کردستان عراق به "طرفدار ایران" مشهور است. در ایران ما شاهد وجود گروهی که با باورهای این گروه همخوانی داشته باشد نیستیم. زیرا اصولاً علی باپیر از کسانی است که تحت تربیت مدرسه اخوانی و یا جهادی های افغانستان نبوده است و بعد طی مراحل تحصیل و اخذ لیسانس شریعت در دانشکده فقه نجف اشرف با وقوع انقلاب اسلامی ایران به "بزوتنه وه ئیسلامی" پیوسته است.



۳-۲. مکتب قرآن

این گروه که اکنون به دو شاخه امینی و قریشی تقسیم شده است فعالیت سازمانی مشخصی در قالب احزاب مستقر ندارد و با توجه به توصیه مفتی زاده در اواخر عمر بر دوری از سیاست و توجه به تزکیه نفس و خودسازی، صرفاً با برگزاری کلاس های آموزشی و عقیدتی و همچنین برگزاری اردوها در سطح مناطق کردنشین اهل سنت ایران به تبلیغ آراء و افکار مفتی زاده می پردازد. مکتب قرآن گروهی است که در جریان تحولات سیاسی اجتماعی کردستان در طول چند دهه اخیر بوجود آمده است و با گروه های اسلام گرای کرد در کردستان عراق پیوند مشخصی ندارد و طبعاً چون این گروه پیرو سرسخت آراء و افکار مفتی زاده هستند و بسیاری از آنها به وی دلبستگی شدید عاطفی دارند، به لحاظ اندیشه ای هر چند با تسامح، قربانی حتی میان آرای آنها و اخوانی ها مشاهده نمی شود.

۳-۳. گروه های سلفی_ تکفیری

اگر بگوییم که گروه های سلفی اعم از تبلیغی و جهادی بصورت تاریخی و عینی ادامه گروه های سلفی کرد عراقی چون جند الاسلام و انصار الاسلام هستند سخنی گزاف نگفته ایم. با توجه به تحولات منطقه و تسخیر بیش از ۳۰ درصد از خاک عراق توسط داعش ما و همچنین حمله اخیر داعش به کردستان عراق و تصرف شهرهای زومار و سنجار و همچنین سد موصل تا ۴۰ کیلومتری اربیل، ما در آینده شاهد تحرک بیش از پیش گروه های تکفیری در کردستان عراق و در ادامه آن در کردستان ایران خواهیم بود.

در قسمت جریان شناسی احزاب و گروه های کرد اسلام گرای عراقی ما نشان دادیم که جمعیت کثیری از اعضای گروه دولت اسلامی عراق به رهبری "ابومصعب الزرقاوی"، گروه های کرد منشعب از "بزوتنه وه ئیسلامی" به نام های "هیز ۲ سوران"، "حماس کردستان"، "اصلاح"، "جند الاسلام"، و در آخر از اتحاد همه ی این ها "انصار الاسلام" هستند که بعد ها با کشته شدن "ابومصعب الزرقاوی" توسط آمریکایی ها و ادامه فعالیت این گروه در قالب "داعش" ما شاهد آن هستیم که کردهای بیش از پیش در حال پیوستن به این گروه هستند.

لاهور شیخ جنگی، رئیس اطلاعات و امنیت اقلیم کردستان (پاراستن) در گفت و گویی با شبکه NRT کردی گفت: نزدیک به ۴۰۰ جوان کرد از اقلیم کردستان عراق به داعش پیوسته اند و در حال حاضر شماری از آنها در موصل سرپرستی گروه های مسلح را بر عهده دارند.

از سوی دیگر بر اثر تبلیغات شدید ماهواره ای و اینترنتی داعش و دیگر گروه های سلفی_ تکفیری بسیاری از کردهای سلفی ایرانی نیز برای پیوستن به آنها در عراق اعلام آمادگی کرده اند و بسیاری نیز به سوریه هجرت کرده اند. جریان سلفی_ تکفیری ایرانی اکنون به صورت هدایت شده در حال پمپاژ جوانان کرد ایرانی برای پیوستن به داعش و انتقال آنها به عراق است. روزی نیست که در کردستان ایران و در کردستان عراق جنازه ای از آنها تشییع نشود و در سایت ها و وبلاگ های منتسب به آنها با معرفی بیوگرافی آنها به عنوان قهرمانان راه جهاد علیه کفر و طاغوت از شخصیت آنها تجلیل شود.

اخیراً اعلام شد که هسته های سلفی_جهادی داعش در کردستان عراق بالاخص در حلبچه مشغول بازسازی تشکیلاتی خویش هستند و ما در چند ماه آینده شاهد رشد جریان های سلفی تکفیری در کردستان عراق و به دنبال آن در مناطق کرد نشین اهل سنت ایران خواهیم بود.

باید توجه داشت که تمامی فعالیت های تبلیغی داعش در عراق در قالب برجسته کردن گفتمان صفوی_عباسی و دشمنی آشکار با شیعیان در قالب "روافض صفوی" است. یعنی در استراتژی داعش، دولت مالکی حداکثر به عنوان یک استاندار از "دولت صفوی رافضی ایران" محسوب شده و آنها دشمن خویش را نه "نوری المالکی" و حتی شیعه، بلکه نظام جمهوری اسلامی ایران می دانند. در تحلیل محتوای بیانیه ها، تصاویر خبری و بنرها و... این نکته کاملاً آشکار است و آنها هیچ ابایی از اظهار آن ندارند. این گونه تبلیغات با توجه به شرایط اهل سنت در ایران بسیار جذاب و عامه پسند است و حتی بسیاری از مردمان عادی نیز تحت تأثیر این القاءات قرار می گیرند.

در آینده ما شاهد پیوستن جمعیت کثیری از کرد ها و بلوچ های ایرانی به داعش خواهیم بود، حتی داعش اخیراً در برنامه های تبلیغی خویش ورژن فارسی تبلیغاتش را نیز منتشر می کند و این گونه می نمایاند که مناطق هدف خویش را بر استانهای کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، بلوچستان قرار داده است.

باید دانست که حرکت داعش از سوی بسیاری از نخبگان اسلام گرای این مناطق به عنوان دادخواهی و مظلومیت اقلیت اهل سنت عراق توسط دولت شیعه عراق تعبیر می شود و با توجه به بستر مناسب این فعالیت ها در ایران نیز با توجه به وضعیت فعلی اهل سنت از یک سو و پیوستگی سرزمینی و هم چنین شکاف های زبانی باعث رشد بیش از پیش این تحرکات خواهد شد.

اکنون داعش در منطقه ای به طول بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر با اقلیم کردستان عراق هم مرز است و با توجه به سابقه و نفوذ جریان های سلفی_تکفیری در کردستان عراق، همان گونه که اشاره شد بسیاری از آنها از سالها پیش از اعضای دولت اسلامی عراق بوده اند، رشد جریانات سلفی_تکفیری در کردستان عراق دور از انتظار نیست و اتفاقاً شرایط کنونی کردستان عراق به علت مسائل و مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... مہیای پذیرش اندیشه های سلفی است. همان گونه که اشاره شد منطقه اورامان و گرمیان کردستان عراق از مناطق نفوذ جدی جریان های سلفی_تکفیری کردستان عراق است و اتفاقاً هر دو این مناطق با جمهوری اسلامی ایران هم مرز است.

داعش نزدیک دو ماه است که در منطقه سعیدیه و جلولا با پیشمرگ های اقلیم کردستان عراق درگیر است و شهر جلولا چندین بار میان آنها دست به دست شده است. این منطقه تا مرزهای جمهوری اسلامی ایران کمتر از ۶۰ کیلومتر فاصله دارد و نیروهای ارتش عراق نیز کلاً از این مناطق عقب نشینی کرده اند. در هفته های اخیر نیز این گروه با حمله به مناطق تحت کنترل اقلیم کردستان عراق دو شهر بزرگ از مناطق تحت کنترل اقلیم کردستان عراق را تصرف کرده است.

آنچه مسأله را بیش از پیش بغرنج می سازد وجود جمعیت کثیری از کردهای شیعه کردهای شبک و اهل حق است که از نظر داعش هر سه گروه جزء مشرکین و روافض هستند و باعث خواهد شد انگیزه هر چه بیشتری برای جنگیدن در این مناطق خواهد شد. مضاف بر این که آن گونه که از تحرکات این گروه بر می آید آنها برای رسیدن به مرزهای جمهوری



اسلامی ایران برنامه های وسیعی تدارک دیده اند. زیرا استراتژی داعش در درگیریهای اخیر عراق مبتنی بر جنگ کم شدت و محدود است اما فقط در جبهه جلولا آنها سعی می کنند به هر قیمتی منطقه را تحت تصرف خویش داشته باشند. مجموعه مسائل فوق می طلبد که دست اندرکاران امور، با تجدید نظر در مؤلفه ها و برنامه ها و راهبردهای پیشین در سیاستگذاریها و راهبردهای خود در حوزه های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با برنامه ریزی منسجم و منظم مہیای شرایط جدید پیش رو در عرصه تحولات آینده عراق شوند. در بخش بعد در دو بخش امنیتی و سیاسی مجموعه ای از پیشنهادات ارائه شده است.

۴. پیشنهادات

۴-۱. پیشنهادات در حوزه امنیتی

- ا. جریان سازی موازی در میان گروه های سلفی_تبلیغی و سلفی_تکفیری برای در هم شکستن پیوند و اتحاد میان گروه های سلفی اعم از تبلیغی و تکفیری
- ب. محدود کردن روحانیون و مساجد مبلغ گفتمان سلفی اعم از تکفیری و تبلیغی
- ج. افزایش تعامل با سایر روحانیون میانه روی کرد و اهل سنت بالاخص در قالب جریان های میانه روی رسمی
- د. کنترل بیش از پیش خروج طلبه های اهل سنت برای خروج از ایران و تحصیل در حوزه های علمیه پاکستان و کشورهای حاشیه فارس و عربستان سعودی
- ه. فعال سازی بیش از پیش ایستگاه های داخل عراق برای رصد گروه های سلفی_تکفیری در اقلیم کردستان عراق و ارتباطات آن ها با عناصر سلفی_تکفیری ایرانی
- و. کنترل ورود و خروج مسافرین از مرزهای غربی کشور بالاخص در باره خروج اتباع کرد و بلوچ اهل سنت به داخل اقلیم کردستان عراق
- ز. رصد مداوم فعالیت های رسانه ای کانال های ماهواره ای، سلفی اعم از تبلیغی و تکفیری و فشار بر کشورهای حاشیه خلیج فارس برای کم کردن فعالیت های کانال های این گروه ها

۴-۲. پیشنهادات در حوزه سیاسی

الف) مقابله جدی با اقدامات تفرقه افکنانه مذهبی_قومی
باید از اقدامات تفرقه افکنانه و تحریک آمیز مذهبی و قومی علیه اهل سنت در تمامی مناطق اهل سنت نشین ایران بالاخص در غرب و شمال غرب ایران به شدت پرهیز شده و با عوامل آن برخورد شود. چون اکنون زمان آزمون و خطا و اغماض در این عرصه نیست و خدای نکرده هر حرکت به ظاهر بی اهمیتی، ممکن است باعث وقوع دومینویی بهمن وار در این مناطق شود.

ب) تقویت ضمنی، محدود و کنترل شده سازمان های مردم نهاد در مناطق اهل سنت نشین ایران

برای مقابله با گسترش اندیشه سلفی، تقویت و تأسیس سازمانهای مردم نهاد محلی در مناطق اهل سنت ایران و بالاخص غرب و شمال غرب که دارای جهت گیری مشخص ضد مذهبی نیستند، همانند گروه های محیط زیستی، زنان و ... ضروری است. باید دانست که فعالان سلفی با راه اندازی جلسات مذهبی در صدد عضو گیری هر چه بیشتر هستند و باید با این اقدامات به صورت خزنده در قالب تقویت NGO ها و تأسیس جریان های موازی مقابله کرد.

ج) تقویت ضمنی، محدود و کنترل شده، جریان های تصوف

جریان های تصوف، اعم از قادری و نقشبندی در مناطق اهل سنت ایران بالاخص در غرب و شمال غرب، به عنوان بدیل گفتمان سلفی مطرح هستند. همان گونه که می دانیم جریان سلفی مخالف تفسیر ها و تأویل های باطنی و اشراقی از متون و نصوص دینی است و به شدت در تمامی جهان اسلام با جریان تصوف به عنوان گفتمان رقیب خودش به شدت درگیر است.

حتی جریان انصار الاسلام (گروه سلفی_ تکفیری کردی) در منطقه بیاره در کردستان عراق که در ۲ کیلومتری نوسود در استان کرمانشاه، با توجه به نفوذ شیوخ نقشبندی در آن منطقه اقدام به تخریب بارگاه و قبور این شیوخ کرد. از این رو تقویت جریان تصوف با توجه به رویکرد کلی آنها مبنی بر عدم دخالت در امور سیاسی، احترام شدید به اهل بیت و نداشتن موضع منفی علیه مذهب شیعه، ضروری است.

چ) تقویت ضمنی، محدود و کنترل شده روحانیون اهل سنت طرفدار نظام و تکریم آنان

روحانیون طرفدار نظام در میان اهل سنت البته دارای پایگاه اجتماعی (ولو اندک) هستند. برنامه ریزان ملی و منطقه ای باید با در نظر داشتن شان و جایگاه آنان و همچنین هدایت و جهت دهی در جهت منافع ملی کشورمان بیش از پیش بکوشند تا پایگاه اجتماعی آنان به سمت اندیشه های تندروی سلفی منحرف نشود.

ح) تقویت ضمنی، محدود و کنترل شده جریان اهل حق در استان کرمانشاه

اهل حق یا آیین یارسان که در بعضی از منابع به عنوان غلات شیعه مطرح شده اند به صورت تاریخی در مناطق غربی استان کرمانشاه و شمال لرستان زندگی می کنند. این فرقه مذهبی در طول تاریخ ایران هیچ گاه سابقه واگرایی با حکومت مرکزی نداشته اند. آن گونه که می دانیم عناصر جدی از هویت ایرانی فی المثل قهرمان های ملی و میهنی در شاهنامه و اهل بیت علیهما السلام به عنوان شخصیت های مورد احترام و مقدس این آیین شمرده می شوند و این فرقه در طول تاریخ همگرا با مذهب شیعه و حکومت مرکزی بوده اند.

در جریان جنگ تحمیلی نیز پیروان این فرقه در مناطق غرب ایران و بالاخص در کرمانشاه به همراه عشایر کلهر و سنجابی به دفاع از آب و خاک ایران پرداختند. متأسفانه بر اثر برخی بی مهری ها در چند سال اخیر و نفوذ جریانات کردی و اگرایی نظام، همچون حزب دموکرات کردستان ایران، کومله و پژاک در این منطقه، ما شاهد جذب تعدادی از جوانان این فرقه در مناطق غربی استان کرمانشاه به این گروه هاستیم و موج مخالفتی نیز اخیراً در میان پیروان این فرقه به وجود آمده که حتی منجر به تحصن آنها در مقابل استانداری کرمانشاه شد.

از سوی دیگر برخی از عناصر این گروه در خارج از کشور با تأسیس "اتحادیه دموکراتیک یارسان" به دنبال مطالبات مذهبی و قومی هستند. با توجه به این که این فرقه مذهبی به طور مشخص در سر پل ذهاب، کرند غرب و قصر شیرین



دارای پیروان بسیاری است و همجوار با مناطق اهل سنت نشین است، از این رو باید تحبیب قلوب سران این فرقه و جذب حداکثری آنان باید در دستور کار قرار گیرد که البته خوشبختانه آقای دکتر یونسی دستیار ویژه ریاست جمهوری در امور اقوام و مذاهب با دیدار با بزرگان این فرقه در کرمانشاه و تحبیب قلوب آنها این امر مهم را شروع کرده است.

(خ) کنترل تبلیغات مذهبی در ماه مبارک رمضان، اعیاد مذهبی و ...

شایسته است که مسئولین استانهای اهل سنت نشین ایران بالاخص در غرب و شمال غرب و شرق کشور با برگزاری جلسات توجیهی در میان مبلغان، حساسیت های وضعیت کنونی را خاطر نشان ساخته و توصیه اکید نمایند که اصولاً "وارد مباحث اختلاف برانگیز میان اهل سنت و شیعه نشوند.

حتی در مناطقی مانند غرب استان کرمانشاه، ارومیه و زاهدان که اهل سنت و شیعیان با هم زندگی می کنند از ورود به بحث های سیاسی درمورد حوادث اخیر خاورمیانه در سوریه و عراق اجتناب گردد تا باعث تحریک مردم این مناطق نشود. نیز مسئولان اطلاعاتی و امنیتی با رصد همه جانبه اقدامات گروه های سلفی در مناطق اهل سنت نشین بالاخص در غرب و شمال غرب و شرق کشور، از تحرک بیش از حد این گروه ها ممانعت به عمل آورند.



باسمه تعالی

کاربرکن نظر سنجی گزارش

- عنوان گزارش:
- کد شناسایی گزارش:
- واحد ارزیاب:
- نام و نام خانوادگی ارزیاب:

الف. نظر خود را درخصوص محورهای زیر اعلام نمایید.

ردیف	گزاره	نظر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	اهمیت موضوعی و ضرورت گزارش		☐	☐	☐	☐	☐
۲	قوت تحلیل گزارش		☐	☐	☐	☐	☐
۳	میزان مفید بودن گزارش		☐	☐	☐	☐	☐
۴	رعایت اختصار در عین بیان مطالب		☐	☐	☐	☐	☐

ب. هرگونه نظر تکمیلی که درخصوص بیان نقاط ضعف و قوت گزارش حاضر دارید، مرقوم نمایید.

تاریخ:

امضاء

خواهشمند است؛ برگه ارزیابی را از گزارش جدا نموده و به آدرس مندرج در شناسنامه گزارش ارسال دارید.



امنیّت پایداری سیاست داخلی منوط به پژوهش و فعالیت های علمی در جامعه است. به هر حال پژوهش اگر نخواهد در این حوزه دقیق، عمیق و مؤثر وارد شود، به نظر من می تواند تغییرات اساسی نظام را در تصمیم گیری تبیین کند و آن اراده جهتی که به منافع امنیّت ملی ماست سوق دهد.

دکتر رحمانی فضلی، وزیر کشور (۱۳۹۳/۰۹/۲۳)

• رصد

رصد نوعی پایش و ارزیابی از پدیده‌ها، ساختارها (سازمانها- نهادها)، رفتارهای سیاسی و اجتماعی است. رصد به نوعی به نظارت و دیده‌بانی جامعه و سیاست، معطوف به ارائه راهکار برای تصمیم گیرندگان و مسئولان دولتی می‌پردازد.

• راهبرد

گزارش‌های راهبردی متون کاربردی هستند که به وسیله کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مطالعاتی در مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در مورد موضوعات معین و با ارائه راهکارهای مشخص تهیه شده و در اختیار تصمیم‌گیرندگان و مدیران ذیربط قرار می‌گیرد.

• افق

هدف آینده‌پژوهشی شناسایی و درک نیروها و عوامل موثر در تغییرات بنیادین زندگی برای به دست دادن تصویری از تغییرات کمی و کیفی در آینده دور یا نزدیک است. آینده‌پژوهی بر خلاف پیشگویی آینده را وضعیتی قابل کنترل و قابل تغییر می‌بیند. در آینده پژوهی، فرض این است که آینده حاصل تعامل بازیگران مختلف با اهداف و مقاصد خاص است.

• نگاه

یادداشت‌های راهبردی نتیجه تحقیقات دامنه‌دار از سوی اساتید و صاحب‌نظرانی است که زمان‌های طولانی‌ای از وقت خود را صرف بررسی یک موضوع خاص نموده و اکنون نتایج مطالعات و پژوهش‌هایشان را به مجریان ارایه می‌دهند. هدف یادداشت‌های راهبردی بررسی یک مشکل، یا طرح یک ایده جدید؛ یا در پاسخ گویا به یک پرسش و دغدغه اساسی جامعه به شکلی کوتاه و مختصر است.

• ارتباط

ارتباط نشریه خبری است که برای تقویت ارتباط مرکز و دفاتر استانی، به صورت هفتگی و در قالب الکترونیک تولید می‌شود. این نشریه در بردارنده مهمترین اخبار مرکز و دفاتر استانی می‌باشد.

• خبر

بولتنی خبری از سری محصولات مرکز می باشد که حاوی اهم اخبارهای استان های کشور می باشد که به صورت ماهیانه تولید می شود. اخبارهای این بولتن از رصد فضای مجازی بدست می آیند و به صورت استانی در بولتن قرار می گیرند.



دفتر مدیریت و ترویج مطالعات راهبردی

تهران: میدان فاطمی - میدان گلها - خیابان کاج جنوبی - کوچه یکم - پلاک ۲۰ - طبقه ۶
مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور - دفتر مدیریت و ترویج مطالعات راهبردی
شماره تلفن: ۸۸۹۷۲۳۹۳ شماره نمابر: ۸۸۹۵۳۷۲۹